



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک آموزشی

ماهانامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
دوره‌ی بیست و هفتم / دی ۱۳۸۹ / شماره‌ی پی‌درپی ۲۲۳
مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: ناصر نادری
شورای کارشناسی: حسین امینی پویا، محمدرضا
سنکری، مهدی شیرزاد، زهرا شعبانی، مرجان فولادوند
مدیر داخلی: مریم سعیدخواه
ویراستار: بهروز راستانی
طراح گرافیک: سعید دین پناه

■ نشانی دفتر مجله: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
■ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵ / ۶۵۸۴
■ تلفن: ۸۸۸۴۹۰۹۶
■ نمابر: ۸۸۸۳۱۴۷۸
■ نشانی امور مشترکین: تهران - صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱
■ تلفن: ۷۷۳۳۶۶۵۵-۷۷۳۳۶۶۵۶
■ شماره‌های تلفن پیام گیر: ۸۸۸۴۹۰۹۶ و ۸۸۳۰۱۴۸۲
■ کد مدیر مسئول: ۱۰۲، کد دفتر مجله: ۱۰۷، کد مشترکین: ۱۱۴
■ شمارگان: ۱۶۷۰۰۰ نسخه
■ چاپ: شرکت افست (سهامی عام)



سلام

ناصر نادری



مگر ما از کلاغ‌ها کمتریم؟

منفعت خاص.
قرآن کریم تأکید دارد: «انسان‌ها دارای اصل و ریشه‌ای مشترک‌اند و همه‌ی آن‌ها ریشه در حقیقت واحدی دارند [اعراف/۱۸۹].

از نگاه قرآن کریم، رابطه‌ی بین افراد باید بر محبت، مودت، اخوت و رحمت استوار باشد [احجرات/۱۰؛ آل عمران/۱۰۳؛ مریم/۹۹؛ فتح/۲۹].

از نظر اسلام، «بهترین انسان کسی است که بیش‌تر به مردم سود می‌رساند.» [بحار الانوار، ج ۷۵، باب ۳۴].

آیا همین چند نکته - که از لابه‌لای صدها و هزاران نکته‌ی قرآنی و روایی نقل شد - کافی نیست تا همه‌ی ما به هم نوعانمان مهربانی کنیم و با آنان رفتارهای حمایتی و نوع‌دوستانه داشته باشیم؟ مگر ما از کلاغ‌ها کمتریم؟!

نمی‌دانم چه بلایی سرمان آمده است. کمتر دلمان برای یکدیگر می‌سوزد. ما آدم‌ها موجوداتی اجتماعی هستیم و در صورت داشتن یک زندگی سالم روانی - اجتماعی است که می‌توانیم نیازهای اساسی خود را برطرف کنیم؛ نیازهای مادی و معنوی. اجتماعی بودن، مستلزم داشتن رابطه با دیگران و گسترش آن است. در چارچوب



همین رابطه است که متوجه نیازهای خود و دیگران می‌شویم. یعنی آنان از ما کمک می‌خواهند و یا ما نیازمند کمک آنان می‌شویم. این همان رفتار حمایتی و نوع دوستی است. رفتاری از این دست فقط به قصد کمک کردن به دیگران است، نه به خاطر رسیدن به

با شنیدن کلمه‌ی «کلاغ» معمولاً تصور نشاط‌انگیز و دلپذیری در ذهنمان پدید نمی‌آید. آن‌ها در افسانه‌ها و حکایت‌ها، نماد بدجنسی و تداعی‌کننده‌ی افکار و رفتارهای ناپسند هستند. اما من روزی با چشم خود دیدم، کلاغی روی آسفالت خیابان افتاده بود. نمی‌دانم چه بلایی سرش آمده بود. در همین حال، کلاغ دیگری سعی می‌کرد به او نزدیک شود و او را از زمین بلند کند. ماشین‌ها از کنار کلاغ‌ها می‌گذشتند، اما کلاغی که می‌توانست پرواز کند، دست‌بردار نبود و دلسوزانه می‌خواست به هم‌نوعش کمک کند.

این نوع دوستی و رفتار حمایتی کلاغ‌ها برایم جالب بود. آن هم در زمانه‌ای که بعضی از ما آدم‌ها جوری دیگر شده‌ایم.